

تعلیم و تربیت در مکتب امام صادق (علیه السلام)

فاطمه بامری^۱

چکیده

یکی از مهم‌ترین ابعاد و ارکان نظام جامعه اسلامی، نظام تعلیم و تربیت است. که کامل‌ترین نوع آن در مکتب اهل بیت (علیهم السلام) محقق شده است. هویت نظام تعلیم و تربیت در تحقق و تبیین ساختار فرهنگ و تمدن اسلامی نقش بسزایی را بر عهده دارد. دین مبین اسلام مسیر تکامل افراد و جامعه اسلامی را تعیین کرده، و پرداختن به این مطلب به ویژه تلاش برای استخراج اصول و مبانی و مولفه‌های بنیادین آن جهت تدوین برنامه جامع نظام تعلیم و تربیت امری مهم و ضروری بوده و شایسته است هر جامعه‌ی اسلامی در مراحل مختلف تمدن‌سازی خود این نظام را بازبینی و مورد توجه قرار دهد. در این مقاله تلاش شده با مطالعه دقیق روایات وارده از امام جعفر صادق (علیه السلام) که شاگردان بسیاری را تربیت نموده و به دلیل تلاش‌های ایشان در جهت تبلیغ دین اسلام، مذهب تشیع مذهب شیعه جعفری می‌نامند، اصول و مبانی و روش‌های تعلیم و تربیت در مکتب ایشان استخراج و تدوین شود. بنابراین، این مقاله بر آن است که به بررسی تعلیم و تربیت در مکتب امام صادق (علیه السلام) بپردازد و روش جمع‌آوری داده‌ها به شیوه اسنادی-کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی: امام صادق (علیه السلام)، تعلیم، تربیت، مکتب

^۱. مقطع سطح دو (کارشناسی)، مدرسه علمیه فاطمیه (سلام الله علیها) پاکدشت.

مقدمه

در اسلام مسائل تعلیم و تربیت از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است تا آنجا که می‌توان گفت اصولاً هدف ارسال پیامبران الهی و ادیان آسمانی همین تربیت صحیح بشر بوده است. زیرا سرکشی غرایز حیوانی و ظلمات جهل و خواهش‌های نفسانی جز با تربیت صحیح و الهی ممکن نیست. این تربیت الهی بعد از پیامبران به دست ائمه معصومین (علیهم السلام) انجام شده است. در این زمینه کتاب‌ها و مقالات زیادی نوشته شده است از جمله کتاب تاریخ ارشاد شیخ مفید که به تاریخ همه ائمه از جمله امام صادق (علیه السلام) پرداخته است اما تحقیق حاضر نحوه تعلیم و تربیت را بطور خاص از منظر امام صادق (علیه السلام) مورد بررسی قرار می‌دهد. با توجه به اینکه تعلیم و تربیت جز مهمترین ارکان یک نظام اسلامی است و تعیین کننده پایداری یک نظام محسوب می‌شود و از طرف دیگر به دلیل اینکه در میان ائمه معصومین (علیه السلام) امام صادق (علیه السلام) بیشترین تعداد شاگرد را تربیت نموده اند، به همین جهت به نظر رسید که این بحث از مکتب امام صادق (علیه السلام) مورد بررسی واقع شود. لذا تحقیق در این زمینه لازم و ضروری می‌نماید. بدین سبب در این مطالعه برآنیم تا مشخص نماییم که تعلیم و تربیت در مکتب امام صادق (علیه السلام) چیست؟ روش تحقیقی مقاله نقلی-تاریخی و گردآوری اطلاعات اسنادی-کتابخانه‌ای می‌باشد.

هدف از انجام این مقاله مفهوم شناسی تعلیم و تربیت و نیز بیان تعلیم و تربیت از منظر امام صادق (علیه السلام) و در نهایت سبک تعلیم و تربیت از منظر ایشان است.

۱- مفهوم شناسی

برای روشن شدن بهتر بحث در ادامه به بیان مفهوم لغوی و اصطلاحی واژه‌های تعلیم و تربیت پرداخته می‌شود:

۱-۱- مکتب؛ جایی که در آن درس می‌خواندند، مدرسه. واژه مکتب، هم به معنای مصدر میمی (یعنی کتابت و نوشتن) به کار می‌رود، هم به معنای اسم زمان (زمان نوشتن) و هم به معنای اسم مکان (مکان نوشتن). اما در زبان عربی و فارسی، مکتب بیشتر به معنای اسم مکان (مکان نگارش و آموزش علم) به کار رفته است.^۱

۱-۲- تعلیم؛ به معنای آموختن و آگاهی دادن می باشد.^۲ و نیز ایجاد دگرگونی در کسی که می‌خواهد یاد بگیرد و بیدار کردن و از حالت محدود به حالتی که موجب رشد عقلی و استقلال فکری می‌شود.

۱-۳- تربیت؛ به معنی پرورش دادن می باشد.^۳ و نیز روش رفتاری و گفتاری دادن به غیر، طوری که این روش، ملکه ذهن او شود.^۴

از لحاظ اصطلاحی تعلیم و تربیت عبارت است از انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت، تا بتواند استعدادها و بالقوه اش را در تمام ابعاد وجودی خویش به‌طور هماهنگ پرورش داده و شکوفا سازد و به‌سوی هدف و کمال مطلوب، به‌تدریج حرکت کند.

۲- اهداف تعلیم و تربیت در منظر امام صادق (علیه السلام)

در ادامه اهداف تعلیم و تربیت از منظر امام صادق (علیه السلام) بیان می‌گردد.

۲-۱- عبادت و عبودیت؛ خداوند هدف نهایی از خلقت انسان را در قرآن کریم عبادت می‌نماید

و «ما جن انس را نیافرید مگر اینکه مرا به یکتایی پرستش کند»

در روایت است که امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «کودک باید از سنین ۶ الی ۷ سالگی به نماز واداشته شود. ممکن است کودک در این سن معانی کلمات نماز را نفهمد اما معنی راز و نیاز

^۱. عمید، فرهنگ عمید، ذیل واژه مکتب

^۲. دهخدا، لغت نامه دهخدا، www.vagh yab. com.

^۳. همان

^۴. معین، فرهنگ فارسی معین، www.vagh yab. com.

با خدا در عالم کودکی خود را درک می‌کند و در باطن خود تکیه گاهی مطمئن و استوار برای خویش می‌یابد.» روان پاک کودک برای پذیرش تعالیم اسلامی، همانند زمین مستعد و آماده‌ای که هر بذری را در خود می‌پذیرد. امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: «احادیث اسلامی را به فرزندان خود هرچه زودتر بیاموزید قبل از آنکه مخالفین بر شما سبقت بگیرند و دل‌های کودکان شما را با سخنان نادرست خویش اشغال کنند»

بنابراین ایمان به خدا که بهترین پناهگاه بشر و بزرگترین عوامل اطمینان و آرامش نفس است، اساسی‌ترین پایه سعادت بشر و والدین به عنوان مربیان کودک باید از دوران کودکی به فرزندان خود درس ایمان و خداشناسی بدهند تا آن‌ها بیاموزند که در پیشامدهای سخت نباید مایوس شده و همواره از خدای متعال مدد بگیرند چرا که خداوند قادر است مشکلات را حل کند بدون آنکه منتی بر بشر بگذارد.^۱

۲-۲- احیای مکتب تشیع؛ عصر امام صادق (علیه السلام) عصری بود که فتنه و آشوب و انقلاب سراسر کشورهای اسلامی را فراگرفته بود. موج خشم و نارضایتی مردم از حکومت بنی امیه تمام نقاط را طوفانی کرده بود. دوران حکومت حاکمان هرچه به پایان خود می‌رسید، پریشانی و نابسامانی فزونی می‌یافت. استانداران بسیاری ظلم می‌کردند و وضع اقتصادی مردم بر اثر فشار طبقه حاکم به بدترین صورت درآمده بود.

این اوضاع و شرایط زمینه را برای فعالیت‌های امام صادق (علیه السلام) آماده کرد به طوری که مکتب تشیع را نه تنها در برابر امواج طوفانی مکاتب دیگر حفظ نمود، بلکه این مکتب به طرز شگفت‌انگیزی احیا شد.

امام صادق (علیه السلام) خطوط فکری را به جامعه عرضه نمودند و شاگردانشان را تشویق به تدوین کردند. در پایه تشویق ایشان اصول اربعه مأه تنظیم گردید و بر اساس آن تشیع به صورت سازمانی جدید خود را نشان داد. ایشان با این کار نشان دادند که تشیع هم مذهب است و هم حکومت و بین این دو هیچ جدایی نیست. تشیع در عصر ایشان شکل جدیدی گرفت و سنت و شیوه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و طرز برخورد آن‌ها به مسائل و اندیشه‌های الهی شان صورت

^۱. شیخ مفید، الارشاد، ص ۲۷

سازمان یافته و منسجم آشکار شده و به صورت یک مکتب در آمده به طوری که کتبی که فقه شیعه بر آن استوار است پایه‌های تالیف و تدوین آن‌ها در آن عصر گذارده شده است.^۱

۲-۳- توجه دادن به اهل بیت؛ حق اهل بیت (علیهم السلام) در همان روزهای اولیه وفات پیامبر از دست رفته بود و به تدریج در سایه القائنات در دشمنی‌ها این حقوق بیش از پیش فراموش شده و ارزش و اعتبارشان کم رنگ تر می شد. بعدها در عصر بنی‌امیه و آل مروان سعی بر این شد که اهل بیت را به فراموشی بسپارند و همین کار را انجام دادند. کار امام صادق (علیه السلام) احیای اهل بیت و توجه دادن عامه به سوی ایشان بود. همین امر در مورد، این درک و اندیشه را پدید آورد که تجدید نظری در این زمینه داشته باشند و این محصول تلاش امام صادق (علیه السلام) بود که در بین جامعه علمی و فقهی آن روز توانستند این برجستگی را به اثبات برسانند و خود به عنوان فرد شاخص علمی و فقهی و اخلاقی اهل بیت در آن عصر درخشندگی‌های زیادی داشتند.^۲

۲-۴- توسعه افکار و ترویج روح علم و تحقیق در بین مسلمان؛ در عصر امام عقاید گوناگون و متضاد و متعارض و مخالف با اسلام راستین وجود داشت که پیروان آن‌ها با هم درگیری داشتند. حتی به مرور کسانی پیدا شدند که برای خداوند صورت قائل می شدند یا علت‌های را در دین روا داشتند.

امام (علیه السلام) به اصلاح عقاید پرداختند و زمین توحید، قضا و قدر و مسائل گوناگون آن تلاشهایی را زنده داشتند و برای تعدیل خطوط فکری و جهت دهی آن‌ها و بقای جامعه اسلامی کوشش‌هایی پرداختند. ایشان با آموزش‌های خود و بحث‌ها و نقدها، ریشه بسیاری از افکار خرافی، مذاهب متنوع، ریاست و سلطنت ارباب قدرت را زدند و نهضت علمی آمیخته با دین و اعتقاد، به وجود آوردند که تداوم حیاتش تا امروز ملاحظه می‌شوند.

امام (علیه السلام) کوشیدند بدعت‌ها را از میان بردارند، خطوط غیر اسلامی را معرفی و نمایان کنند، انحرافات را از اصل و ریشه به مردم بشناسانند و نشان دهند که بسیاری از آنچه را که مردم در عصر او اصیل می‌شمارند، اصالت ندارند. به عنوان مثال در جریان سقیفه شورای شش نفری حکومت؛ در مرگ خلیفه دوم، از آغاز ویران و منحرف و خلاف خط و اندیشه اسلامی بود و یا

^۱. همان

^۲. شیخ مفید، الارشاد، ص ۲

شنونده تأثیر فراوانی خواهد گذاشت. همچنین نهی از منکر یعنی منع کردن از اعمال نامشروع، به عنوان یک روش تربیتی برای جلوگیری از سقوط فرد و افتادن در مهلکات است.

امر به معروف و نهی از منکر اگر درست اجرا شود یکی از بهترین و مؤثرترین روش‌های تربیت و اصلاح افراد خواهد بود. این فریضه مهم الهی دارای احکام و مسائل فراوانی است. قرآن کریم می‌فرماید: «شما نیکوترین امتی هستید که بر آن قیام کردند تا مردم را به نیکوکاری وادار کنند و از بدکاری باز دارند و به خدا ایمان آوردند.» امام صادق (علیه السلام) در این خصوص می‌فرماید: «کسی باید امر به معروف و نهی از منکر کند که سه خصلت داشته باشد: ۱- به آنچه امر به معروف و نهی از منکر می‌کند دانا باشد، ۲- به جا امر و نهی کند و ۳- با مدارا نهی کند.»^۱

۳-۱۰- راهنمایی و تذکر؛ انسان غیرمعصوم هرچه دانش داشته باشد و تلاش‌های علمی صادقانه صورت داده باشد باز هم بی‌نیاز از منبع فیض نیست که هر از گاهی رو به سوی او آورد و نقاط قوت خود را از زبان او بشوند و بر ضعف‌های خود وقوف یابد تا درصدد رفع آن‌ها برآید. امام صادق (علیه السلام) با هدف توانمند ساختن شاگردان، نقاط ضعف و قوت آنان را گوشزد می‌کرد. «به حمران می‌فرمود: «در بحث، سخنی را دنبال می‌کنی و به نتیجه می‌رسانی.» به هشام بن سالم فرمود: «می‌خواهی بحث را دنبال کنی و به نتیجه برسانی اما توانایی نداری.» به احول فرمود: «در بحث و مناظره قیاس بسیار می‌آوری و باطل را به باطل جواب می‌دهی.» به قیس فرمود: «در گفتگو به حق نزدیک می‌شوی اما از اخبار و احادیث نبوی فاصله می‌گیری و حق را به باطل می‌آمیزی، اما بدان که سخن حق هر چند کم باشد تو را از باطل بسیار بی‌نیاز خواهد کرد.» به هشام بن حکم فرمود: «تو در بحث پیش می‌روی همین که می‌خواهی به زمین بخوری دوباره پرواز می‌کنی و کسی همانند تو باید با مردم سخن بگوید. از لغز بهره‌یز که امداد و شفاعت یاریگر تو خواهد بود.»^۲

۳-۱۱- ارجاع مردم به شاگردان خود؛ از دیگر نشانه‌های روابط بسیار خوب امام و شاگردان خود آن است که بسیاری از مردم را که دور از مدینه به سر می‌بردند و دسترسی به آن حضرت نداشتند، به برخی از شاگردان عالم و فقیه خود که پاسخگوی نیازهای دینی و اعتقادی مردم بودند

^۱. کمپانی، امام صادق، ص ۱۲

^۲. علیدوست خراسانی، سبحانی، پرتوی از زندگانی امام صادق، ص ۷۷

ارجاع می‌داد؛ مثلاً به فیض بن مختار فرمود: « هر وقت خواستی بر حدیث ما دستیابی، آن را از این شخص که اینجا نشسته است بگیر؛ و با دست به زراره بن اعین اشاره فرمود.»
به شعیب عرقوقی که به امام جعفر صادق (علیه السلام) گفته بود چه بسا می‌شود به برخی از مسائل نیاز پیدا می‌کنیم؛ آن‌ها را از چه کسی بپرسیم؟ فرمود: بر تو باد بر اسدی یعنی ابوبصیر.^۱»

^۱. قمی، منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۷۱

نتیجه گیری

این پژوهش با عنوان تعلیم و تربیت از منظر امام صادق (علیه السلام) می باشد. که به سبک تعلیم و تربیت و اهداف آن از منظر امام صادق (علیه السلام) پرداخته است. در بیان مهم ترین نتایج، این مقاله می توان گفت: ۱- انسان شگفت انگیزترین مخلوق خداوند و والاترین نشانه قدرت حق است انسان مستعد انصاف به صفات و کمالات الهی است، و آفریده شده تا مقام خلیفه الله ای برسد و این سیر جز با تعلیم و تربیت حقیقی میسر نمی شود بیگمان ۲- روش تعلیم و تربیت در مکتب امام صادق (علیه السلام)، مبتنی بر شناخت حقیقت انسان و همه نیازهای روحی روانی است جایگاه تعلیم و تربیت در زندگی و اجتماع از نظر آن بزرگوار عبارت از است روش مهر ورزی، موعظه، تفکر، تذکر، امر به معروف و نهی از منکر است. مقاله حاضر سبک تعلیم و تربیت را از منظر امام صادق (علیه السلام) مورد بررسی قرار داده است.

پیشنهاد ات پژوهشی عبارتند از: بررسی تمام امور زندگی. فردی و اجتماعی با سبک تعلیم ائمه

معصومین (علیه السلام)

فهرست منابع

* قرآن

کتب

۱. اشتهااردی، محمد مهدی، **نگاهی بر زندگی امام صادق (علیه السلام)**، تهران: انتشارات مطهر، ۱۳۷۴ ه.ش.
۲. پیشوایی، مهدی، **سیره پیشوایان**، قم: انتشارات توحید، ۱۳۷۲ ه.ش.
۳. خامنه ای، سید علی، **پیشوای صادقی**، تهران: انتشارات سید جمال، ۱۳۸۰ ه.ش.
۴. طبری، محمد بن جریر، **تاریخ طبری**، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۶۲ ه.ش.
۵. عالمی دامغانی، محمدعلی، **شاگردان مکتب ائمه (علیهم السلام)**، قم: انتشارات موسسه نشر اسلامی، ۱۳۷۸ ه.ش.
۶. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، **امام جعفر صادق پیشوا رئیس مذهب**، قم: انتشارات نسل جوان، بی تا.
۷. علوی، محمد، **نگرشی مختصر بر زندگانی چهارده معصوم**، قم: انتشارات نغمات، ۱۳۸۵ ه.ش.
۸. علی پناه، **شرح زندگانی و سخنان ششمین امام شیعیان**، تهران: انتشارات فروغی، ۱۳۸۵ ه.ش.
۹. علی دوست خراسانی، نورالله، **جعفر سبحانی، پرتویی از زندگانی امام صادق (علیه السلام)**، تهران: انتشارات دفتر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷ ه.ش.
۱۰. عمید، حسن، **فرهنگ عمید**، تهران: انتشارات فرهنگ و قلم، چاپ دوم، ۱۳۴۲ ه.ش.
۱۱. فولادزاده وزیری، عبدالامیر، **امام جعفر صادق رئیس مذهب شیعه**، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۵۹ ه.ش.
۱۲. قمی، عباس، **منتهی الآمال**، ج ۱، تهران: مبین اندیشه، ۱۳۹۰ ه.ش.
۱۳. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، **اصول کافی**، تهران: انتشارات موسسه نشر اسلامی، ۱۳۸۸ ه.ش.

۱۴. کمپانی، فضل الله، امام صادق (عليه السلام)، تهران: دارالکتب الاسلاميه، ۱۳۵۲ ه.ش.
۱۵. محدث نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط الوسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۸ ه.ق.
۱۶. مطهری، مرتضی، سیری در ائمه اطهار، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۷ ه.ش.
۱۷. مغنیه، احمد، شخصیت حضرت صادق (عليه السلام)، ترجمه سید جعفر غضبان، تهران: انتشارات چاپ سوم، اردیبهشت ۱۳۶۰ ه.ش.
۱۸. مفید، محمد بن محمد، الارشاد فی معرفه حجج، ترجمه رسولی محلاتی، تهران: موسسه نشر اسلامی، ۱۳۷۸ ه.ش.

مقالات و سایت ها

۱. عبدالمحمدی، حسین، "سیره تبلیغی پیامبر خاتم"، مجله کوثر معارف، سال دوم، شماره ۱، دی ماه ۱۳۸۵.
۲. لغت نامه دهخدا www.vagh yab. com.
۳. فرهنگ فارسی معین www.vagh yab. com.
۴. فرهنگ نامه دهخدا www.vagh yab. com.